



بحران فلسطین در اندیشهی آیت‌الله بروجردی و امام خمینی

سعید قربانی^۱ - محمد فکری^۲ - محمدجواد فتحی^۳

چکیده

هدف در پژوهش حاضر بررسی مسئله‌ی فلسطین در منظومه‌ی فکری آیت‌الله بروجردی^(ره) و امام خمینی^(ره) با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی است. سؤال پژوهش این است که چه تفاوتی در رویکرد آیت‌الله بروجردی و امام خمینی نسبت به فلسطین وجود داشته است؟ دولت فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی با رأی سازمان ملل متحد و نفوذ قدرت‌های بزرگ جهانی به دو دولت مجزا تقسیم شد که دولت فلسطین و رژیم اسرائیل حاصل این تصمیم بود. در مقابل این روند ایجادشده، اعتراض‌های گسترده‌ای از جمله حوزه‌های علمیه و مراجع در بازه‌های زمانی مختلف شکل گرفت. آیت‌الله بروجردی در زمان رژیم پهلوی دوم نسبت به این حادثه تلخ واکنش نشان داد که در اعلامیه‌ی ایشان آمده است و با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نحوه‌ی برخورد با مسئله‌ی فلسطین قوت بیشتری گرفت و فضا جهت حمایت از فلسطین بازتر شد. یافته‌ی پژوهش نشان می‌دهد، آیت‌الله بروجردی و امام خمینی در چگونگی برخورد با مسئله فلسطین رویکرد متفاوتی داشتند. نگاه امام خمینی و آیت‌الله بروجردی در باب مسئله‌ی فلسطین بر اساس نگاه دو مرجع به بحث دین و سیاست و نحوه‌ی فعالیت آن‌ها در حوزه‌های دینی و سیاسی برمی‌گردد. فرضیه مقاله این است که با توجه به مبانی فکری امام خمینی و آیت‌الله بروجردی درباره ارتباط دین و سیاست، امام خمینی اعتقاد به کنشگری فعال و حمایت مادی و معنوی از مسئله فلسطین بود، اما آیت‌الله بروجردی به خاطر صیانت از حوزه علمیه نوپا، رویکرد کنشگری غیرفعال را در حمایت از فلسطینیان انتخاب کرده بود.

واژگان کلیدی: آیت‌الله بروجردی (ره)، امام خمینی (ره)، فلسطین، رژیم اسرائیل، بحران

DOI: 10.2783.4999/CSIW.2306.1265.4.27.5

^۱ مدیر گروه مطالعات تاریخ شفاهی و خاطرات انقلاب اسلامی مرکز اسناد انقلاب اسلامی saeed67110@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد اندیشه سیاسی در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران سلام و تحیات

fekrimohammad72@gmail.com

^۳ دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران f.mjavad@yahoo.com

شماره ۴ (۲۷)

سال ۹

زمستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۳/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۵/۱۵

صص: ۱۰۳-۱۳۰



Political research of the Islamic world



مقدمه

رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸ میلادی با رأی سازمان ملل متحد و با همراهی و همکاری قدرت‌های بزرگ در فلسطین تبدیل به دولت شد و دولت‌های مختلف از جمله رژیم پهلوی ایران آن را به رسمیت شناختند. در مقابل این اقدامات مراجع تقلید آیت‌الله بروجردی واکنش نشان دادند و بیانیه‌ی تندى را اعلام کردند که متن عربی و فارسی آن موجود است. عمده مباحث ایشان پیرامون دولت فلسطین و رژیم اسرائیل در این بیانیه بیان شده است و اطلاعات در مورد بیانات ایشان از لحاظ سندی و کتابخانه‌ای محدود می‌باشد.

وقوع انقلاب اسلامی و سپس استقرار نظام جمهوری اسلامی، سیاست و روابط خارجی دوران محمدرضا شاه را کاملاً دگرگون کرد. وقوع انقلاب اسلامی باعث دو تحول عمده در روابط بین‌الملل شد؛ یکی قرار گرفتن موضوع دین اسلام و فرهنگ در رویدادهای جهانی که چندین قرن در سایه عوامل سیاسی و اقتصادی قرار داشت و دیگری تأسیس و استقرار نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌ی الگوی ولایت‌فقیه و در نتیجه آغاز دوران جدیدی در سیاست خارجی و شیوه‌ی نوین در مبارزه با استعمار و استکبار جهانی بود. اصلی‌ترین شاخص سیاست خارجی ایران در دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را بایستی ایدئولوژیک بودن آن دانست. چرا که اهداف سیاست خارجی ایران ماهیتی ایدئولوژیک یافت و سیاست خارجی آن بر اساس آرمان‌های انقلاب اسلامی و اصول مکتب شیعی تدوین شد. در این میان مسئله‌ی قدس و اسرائیل هسته‌ی مرکزی آن را تشکیل داد (میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۰).

به دنبال اعلام تشکیل دولت اسرائیل در ۱۴ می ۱۹۴۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷)، ایران دوره‌ی پهلوی این رژیم را در ۶ مارس ۱۹۵۰ (۱۵ اسفند ۱۳۲۸) به صورت دوفاکتو به رسمیت شناخت. اسرائیل هم در دوران پهلوی دوم، ایران را به عنوان یک متحد استراتژیک قلمداد می‌نمود (توسلی رکن آبادی، ۱۳۸۹: ۱۰۹). اسرائیل، سعی بر این داشت تا مناسبات خود را با ایران دوران پهلوی هر چه بیشتر گسترش دهد. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در (۱۱ فوریه ۱۹۷۹)، این روابط ویژه، به سرعت قطع گردید و سفارت این کشور در تهران در اختیار سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) قرار گرفت. جمهوری اسلامی با توجه به ملاحظات شرعی و انسانی، آرمان فلسطین را در صدر اهداف خود قرارداد. امام خمینی^(ع)، اسرائیل را یک «غده‌ی سرطانی» می‌دانست که باید از صفحه‌ی

روزگار محو شود و بدین گونه اسرائیل از یک متحد استراتژیک به یک دشمن استراتژیک مبدل شد (توسلی رکن آبادی، ۱۳۸۹: ۱۴۴).

امام خمینی^(ره) از ابتدای تشکیل رژیم اسرائیل و آواره شدن ملت مسلمان فلسطین از دیار خود، همواره مسلمانان فلسطین را در برابر اشغالگران حمایت کرده و مشوق مسلمانان جهان و به ویژه مردم مسلمان ایران به پشتیبانی از مردم مسلمان و مظلوم فلسطین بودند. علاوه بر این، رهبر کبیر انقلاب اسلامی همواره علیه صهیونیسم موضع گیری کرده و مسلمانان را نیز دعوت به مخالفت با موجودیت رژیم نامشروع صهیونیسم می کردند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران، مبارزه علیه اسرائیل غاصب وارد مرحله جدیدی به رهبری امام خمینی^(ره) شد؛ چراکه از این تاریخ به بعد، علاوه بر مخالفت امام خمینی^(ره) با رژیم صهیونیستی، دولت جمهوری اسلامی نیز در منطقه و جهان تبدیل به حامی مهم مردم فلسطین و دشمن اسرائیل گردید (نظرپور، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در این مقاله با توجه به این که یافته های سندی و کتابخانه ای در مورد نوع نگاه آیت الله بروجردی^(ره) به مسئله فلسطین و رژیم اسرائیل محدود است، تلاش شده تا اندیشه ای امام بیشتر مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. در این مورد که هر دو مرجع نسبت به مسئله فلسطین حساس بودند و آینده ی جهان اسلام برای آن ها مهم بود، ولی نوع اقدامات و شرایط زمانی جهت اقدامات متفاوت بوده است. سؤال مطرح شده این که نگاه دو مرجع به مسئله ی دولت فلسطین و رژیم اسرائیل به چه صورتی بوده است و واکنش آن ها در قبال اسرائیل به چه نحوی بوده است؟

آنچه قرار است در این مقاله مورد توجه قرار گیرد، تحلیل و واکاوی اندیشه و نوع نگاه آیت الله بروجردی و امام خمینی به قضیه ی فلسطین و اشغال آن توسط رژیم اشغال گر قدس است. تحلیل و واکاوی اندیشه ی امام و آیت الله بروجردی و امام نسبت به قضیه ی فلسطین را بر اساس نوع نگاه آن ها به بحث تعامل دین و سیاست و توجه مراجع به مباحث سیاسی می توان تحلیل کرد. آیت الله بروجردی در مسائل سیاسی ورود نمی کردند و عمدتاً بحث ایشان حفظ سنگر حوزه بود که از نظر ایشان اگر حوزه نابود شود، اسلام دچار آسیب خواهد شد و به همین دلیل حداقل به صورت مستقیم وارد مباحث سیاسی نمی شدند. ولی نگاه امام به ارتباط دیانت و سیاست و حضور دائم دین و بانیان دین در مسائل سیاسی متفاوت است. ایشان مستمراً پیگیر مسائل سیاسی بودند و در مباحث مختلف سیاسی، واکنش های هوشمندانه ای را اتخاذ می کردند که باعث حفظ حیات مسلمین می شد. البته

امام^(ره) پیروزی انقلاب اسلامی و ظهور جمهوری اسلامی ایران را حاصل تلاش‌های آیت‌الله بروجردی^(ره) در حفظ سنگر حوزه می‌دانست. این نوع نگاه به سیاست در تحلیل اندیشه‌ی دو مرجع در واکنش به بحث فلسطین خود را به عین نشان می‌دهد. نوع ادبیات و نوع خواسته‌ها و نوع واکنش‌ها در قبال بحث فلسطین در نامه و بیانات این دو مرجع به نوعی متفاوت است. در این مقاله تلاش است نوع اندیشه‌ی آیت‌الله بروجردی^(ره) و امام خمینی^(ره) در رابطه با بحث فلسطین و رژیم اسرائیل تحلیل شود.

۱- پیشینه پژوهش

در رابطه با عنوان فلسطین و رژیم اسرائیل در اندیشه و باور فکری آیت‌الله بروجردی^(ره) و امام خمینی^(ره) به صورت مقایسه‌ای و به خصوص در اندیشه‌ی آیت‌الله بروجردی مقاله‌ی علمی پژوهشی نوشته نشده است. در رابطه با نگاه امام خمینی به بحث فلسطین مقالات و کتاب‌های ذیل نگاشته شده است:

نظرپور (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای تحت عنوان «فلسطین از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری»، مباحث مختلف پیرامون فلسطین را مورد توجه قرار داده است. مثل حمایت از مستضعفین، تخصیص وجوه شرعی جهت کمک به فلسطین و همچنین در بخش‌های پایانی مقاله وظایف و ظرفیت‌های جهان اسلام مثل نفت، حج ابراهیمی را واکاوی کرده است.

مجیدی (۱۳۸۱)، در مقاله‌ی «فلسطین: نگاه مسلمان ایرانی» گریزی هرچند محدود به اندیشه‌ی امام خمینی در رابطه با بحث فلسطین داشته است. به خصوص بحث نفوذ استعمار و روز قدس بیشتر مورد تحلیل قرار گرفته است.

مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۲) در کتابی با عنوان «فلسطین از دیدگاه امام خمینی^(س)»، صرفاً به بیانات امام خمینی در رابطه با مباحث پیرامون فلسطین اکتفا کرده است و در این زمینه با عنایت به بیانات امام، تحلیلی انجام نداده است. مباحثی همچون روز جهانی قدس، اتحاد جهان اسلام در مقابل رژیم صهیونیستی و بیدار شدن ملت‌ها اسلامی در مقابل کفر جهانی و امثال آن مورد توجه قرار گرفته است.

منابع و مباحث دیگری نیز قابل توصیف است که در زمینه اندیشه‌ی امام خمینی^(ره) در رابطه با عنوان فلسطین دست به قلم بوده‌اند، ولی آنچه در این پژوهش انجام شده اولاً تلاش شده است مباحث امام در باب فلسطین با ارائه‌ی یک دسته‌بندی دقیق‌تر انجام شود و ضمناً اندیشه‌ی آیت‌الله بروجردی^(ره) در باب فلسطین به‌عنوان مبحث جدید در آن دیده‌شده است و در لابه‌لای مطالب ارائه‌شده، تلاش شده است تا مقایسه‌ای نیز انجام شود.

۲- چارچوب مفهومی پژوهش؛ نفی سلطه

استکبار و استکبارستیزی، از تعبیرات آشنا و پرکاربرد در علوم اسلامی است که در قرآن و کلام پیشوایان دین، به کار رفته است. به نظر می‌رسد جوامع بشری از دیرباز، با این موضوعات دست به‌گریبان بوده و آن در امور شخصی و اجتماعی خویش، تجربه کرده‌اند. این مسئله در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز مطرح بوده است و لذا نمی‌توان تفکیکی بین نظام ایران و مبارزه با مستکبران قائل شد. انگاره استکبارستیزی از زمره مباحث کانونی در اندیشه امام خمینی^(ره) هست که از یک‌سو برگرفته از مبانی قرآنی و تفاسیر فردی امام است و از جانب دیگر به‌عنوان یک امر مسلم دینی به شمار می‌رود که می‌بایست با راهبرد حمایت‌گرایانه از مستضعفان عالم غایت‌رهایی بشر را از سلطه رقم‌زند. باید توجه داشت که آرمان استکبارستیزی محصول تفکرات شخصی امام خمینی^(س) نبوده و ریشه در عمق تعالیم اسلامی دارد و نه تنها ایشان، بلکه تمامی کسانی که خود را پیرو راه اولیاء الهی و داخل در جبهه حق‌پرستان می‌دانند، موظف به ستیز با مستکبران هستند. در همین ارتباط مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بیان می‌دارند: «آنچه نقطه مقابل نظام اسلامی است، استکبار است. جهت‌گیری خصومت‌های نظام اسلامی با نظام استکبار است؛ ما با نظام استکبار مخالفیم، ما با استکبار مبارزه می‌کنیم. استکبار یک واژه قرآنی است که در قرآن درباره امثال فرعون و گروه‌های بدخواه و معارض حق و حقیقت به کار رفته است» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۹/۲۹).

به‌عنوان نمونه در آیه ۷۶ سوره‌ی مبارکه نساء این‌گونه اشاره شده: «الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا»، یعنی اینکه کسانی که ایمان آورده‌اند در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند در راه طاغوت می‌جنگند و پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان در نهایت ضعیف است (نساء، آیه ۷۶).

حال این سؤال مطرح می‌شود که استکبار چیست و استکبارستیزی به چه معنایی است. درخور توجه است که بهترین روش تعریف این واژه تأمل و تدقیق در اندیشه امام خمینی^(ره) و جانشین وی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. این لغت از ریشه «ک - ب - ر» و به معنای برتری خواهی، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر است؛ اما در اصطلاح، این لغت بیش‌تر به سلطه‌جویی، استعمار و استثمار معنا می‌شود. این واژه با مشتقات آن، ۴۸ بار در قرآن کریم آمده است. ۴ مورد آن به استکبار ابلیس و بقیه به استکبار انسان اشاره دارد. ماده «عُتُو» و برخی مشتقات آن نیز در قرآن کریم به معنای استکبار است (پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۵). امام خمینی^(ره) در این ارتباط می‌فرماید: «من باید بیان مستضعف و «مستکبر» را به اندازه‌ای که در این مجلس مناسب است عرض کنم. مستکبرین منحصر نیستند به سلاطین، منحصر نیستند به روسای جمهور، منحصر نیستند به دولت‌های ستمگر. استکبار یک معنای اعمی دارد؛ یک مصداقش همان اجانب هستند که تمام ملت‌ها را ضعیف شمردند و مورد تجاوز و تعدی قرار دادند؛ یک مورد هم همین دولت‌های جائز، سلاطین ستمگر که ملت‌های خودشان را ضعیف می‌شمردند و به آن‌ها تعدی می‌کنند، دست تعدی به ملت‌ها دراز می‌کنند. ملت را ضعیف می‌شمردند و ملت را از روی استکبار نظر می‌کردند و به ملت تعدی و تجاوز می‌کردند. هر فرد، می‌شود که مستضعف باشد و می‌شود مستکبر باشد. اگر من به زیردست‌های خودم، ولو چهار نفر باشد، تعدی و تجاوز کردم و آن‌ها را کوچک شمردم، بنده خدا را کوچک شمردم، من مستکبرم و او مستضعف.» (امام خمینی، ۱۳۷۸، جلد ۷: ۴۸۹).

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب درباره معنی استکبار فرمودند: «...استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه‌ی استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسان‌ها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه‌ی کارهای آن‌ها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حق تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حق دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است. نقطه‌ی مقابل این جبهه‌ی ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می‌کنند؛ مبارزه‌ی با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه‌ی اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ‌وخم دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبار گر یا انسان مستکبر یا

دولت مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است.» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۳).

عدم پذیرش تسلط قدرت‌های سلطه‌گر و عدم تعهد نسبت به آنان در سیاست خارجی لازم است، ولی کافی نیست؛ بنابراین تنها وظیفه جمهوری اسلامی در روابط همکاری، معاهدات و قراردادهای خود با کشورهای غیر اسلامی، این نیست که راه هرگونه سلطه و نفوذ آنان را ببندد، بلکه فراتر از آن مکلف به مبارزه با استکبار، نظام سلطه، ظلم و بی‌عدالتی است؛ زیرا جهان‌شمولی اسلام و ماهیت فراملی انقلاب اسلامی ایران، رعایت این اصل در چارچوب یک سیاست خارجی تهاجمی را ایجاب می‌نماید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). در پژوهش حاضر نویسنده درصدد است که مسئله‌ی فلسطین را از نگاه آیت‌الله بروجردی^(ره) و امام خمینی^(ره) مورد کنکاش قرار دهد و نشان دهد که نگاه آن‌ها به مسئله‌ی فلسطین، نگاهی اسلامی است.

۳- آیت‌الله بروجردی^(ره) و مسئله‌ی فلسطین

با تصمیم کشورهای استعمارگر در رأس آن‌ها انگلیس مبنی بر تقسیم کشور فلسطین به دو قسمت «یهود» و «عرب» و یک منطقه‌ی بین‌المللی شامل «بیت‌المقدس» در آن دوران از میان علمای ایران، آیت‌الله کاشانی اولین اعلامیه‌ی ضدصهیونیستی را صادر کرد. به دنبال تشنجات فزاینده میان یهودیان و مسلمانان، نخستین جنگ اعراب و اسرائیل در خرداد ۱۳۲۷ آغاز شد. در این جنگ ارتش‌های عربی منطقه و نیز هزاران رزمنده‌ی داوطلب از کشورهای اسلامی، به‌ویژه عربی، به نبرد با صهیونیست‌ها که از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی حمایت می‌شدند، شتافت.

در ایران نیز تظاهرات باشکوهی در روز جمعه، دهم خردادماه به دعوت اتحادیه‌ی مسلمین برپا شد که بسیاری از وزرای مختار و سفرای کشورهای عربی نیز در آن حضور داشتند. در این تظاهرات ضمن پشتیبانی کامل مردم مسلمان ایران از مسلمانان فلسطینی، دو هزار نفر از مردم جهت اعزام به جبهه‌های نبرد ثبت‌نام کردند. آن دوران که سال‌های نخست زعامت آیت‌الله بروجردی بود، آن مرجع بیدار که همواره حامی مسلمانان در اقصی نقاط کشور و مدافع حدود و ثغور کشورهای اسلامی بود، بیانیه‌ی تندی بر ضد صهیونیست‌ها و در دفاع از مردم فلسطین صادر کرد. این اعلامیه در محکومیت جنایات هندی‌ها در پاکستان و یهود در فلسطین صادر شد (عالمیان، ۱۳۹۰: ۲۳۷) آیت‌الله

بروجردی^(ده) در این اعلامیه جنایت‌های دولت اشغالگر قدس را محکوم نمودند و از مسلمانان ایران و جهان دعوت کردند که افزون بر کمک به مسلمانان، در مجالس دعا و نیایش از یهودیان اشغالگر اعلان براءت و بیزاری نمایند و علیه اشغالگران نفرین و برای پیروزی مسلمانان در جنگ علیه اسرائیل دعا کنند (رضوی، ۱۳۸۱: ۷) متن ترجمه شده این اعلامیه که به زبان عربی نوشته شده بود، از این قرار است:

خداوند متعال را در نهان و عیان و در هر حال سپاس می‌گوییم، و از آنچه برادران مسلمان ما در این زمان، در پاکستان از مشرکان و در فلسطین از یهود می‌بینند، به او شکایت می‌کنیم. صدق گفتار خداوند را درباره‌ی شدت عداوت یهود نسبت به مسلمانان، در کتابش می‌بینیم که فرموده است: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قِسِيْنَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ» (سوره مائده، ۸۲) به یقین از میان مردم، یهود و مشرکان را سرسخت‌ترین دشمن نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و بیشترین دوستی و محبت نسبت به مؤمنان را در کسانی می‌یابی که می‌گویند: «ما نصارا هستیم»؛ این به خاطر آن است که بعضی از آن‌ها عالمانی روحانی یا تارک دنیا هستند؛ و آن‌ها [در برابر حق] تکبر نمی‌ورزند.» ولی تعجب و تأسف کلی از کار یهود است، زیرا آن‌ها بعد از این که نزدیک به چهارده قرن تحت حمایت اسلام و مسلمین بوده‌اند و جان و ناموس و اموال و شعائر دینی‌شان محفوظ بوده است، می‌خواهند در این زمان انتقام آن‌همه نیکی‌ها را که در آن مدت طولانی از مسلمانان دیده‌اند، از آن‌ها بگیرند. مردان شایسته را تحت تعقیب و ارباب قرار داده و به قتل می‌رسانند. اطفال آن‌ها را کشته و اعراض آن‌ها را مورد هتک قرار داده و معابد و خانه‌هایشان را تخریب نموده و از هیچ شرارت و جنایتی نسبت به آن‌ها ابا ندارند و از هیچ‌گونه تجاوز و تعدی دست‌بردار نیستند. از خداوند متعال مسئلت داریم که مسلمانان را پیروز گرداند از جانب خود آن‌ها را یاری کند و این قوم که حقوق مسلمانان را رعایت نمی‌کنند مخذول نماید و آن متعدیان را خوار و ذلیل گرداند و به صورت خوارترین ملت قرار دهد. از برادران بایمان خود در ایران و سایر نقاط امید آن داریم که خواری و ذلت یهود را از خداوند بخواهند و برای برادران مسلمان خودیاری و پیروزی بر آن‌ها را مسئلت دارند. خداوند! سربازان و رزمندگان و مرزداران مسلمین را در شرق و غرب زمین یاری کن و دشمنان آن‌ها را خوار گردان و پراکنده و پریشان نما و دل‌های آن‌ها را پر از رعب کن و ضربت کوبنده‌ی خود را که بر قوم مجرمین وارد می‌سازی

بر آن‌ها نازل کن و بر اشرف پیغمبرانت محمد و دودمان برگزیده‌اش درود بفرست (اباذری، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۸).

۳-۱- موضع آیت‌الله بروجردی^(ره) در مقابل به رسمیت شناختن اسرائیل

در آغازین سال‌های تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین اشغالی، زمزمه‌های به رسمیت شناختن این دولت توسط رژیم شاه به گوش رسید. این مسئله موجب خشم علما و مردم متدین شد. برای مردم ایران که اکثراً مسلمان بودند، تأیید دولتی که با غضب خاک مسلمانان، دولتی جعلی و تحمیلی تشکیل داده بود، قابل قبول نبود. از این رو اعتراض‌های پراکنده‌ای بر ضد اقدام احتمالی دولت ایران صورت پذیرفت. آیت‌الله بروجردی^(ره) نیز نسبت به این قضیه معترض شد. اما این اعتراض بعدها به سکوت تبدیل شد. در گزارش اسناد ساواک در تاریخ ۱۳۴۸/۱/۳۰ در مورد آیت‌الله شیخ حسین لنکرانی، به این مسئله اشاره شده است. در متن این گزارش از زبان شیخ حسین لنکرانی آمده است: مدتی [امام] خمینی در کرج بود. من همه روزه پیش او می‌رفتم، موقعی که ایران می‌خواست اسرائیل را به رسمیت بشناسد، مرحوم حاج آقا حسین بروجردی و همه‌ی مردم ناراحت بودند. [امام] خمینی در کرج بود و قرار شد که من به تهران آمده، انقلاب را شروع کنم و {امام} خمینی نیز شخصی را نزد [آیت‌الله] بروجردی بفرستند و از او نیز کمک بخواهد. برای این منظور [امام] خمینی مجتهد تبریزی را نزد آقای بروجردی به قم فرستاد. موقعی که مجتهد تبریزی برگشت، اظهار داشت که آقای بروجردی از شناسایی یهود خیلی ناراحت و داغ‌تر از ما بود. ولی عصر همان روز کسی از تهران آمد و با او ملاقات کرد. پس از این ملاقات، آقای بروجردی سرد شده و گفت: من دخالت نمی‌کنم. [امام] خمینی هم خیلی ناراحت و چند روزی مریض شد؛ به طوری که دکترها گفتند: شوک سختی به او وارد شد. آنچه در این گزارش تعبیر به سرد شدن آیت‌الله بروجردی شده است، ناظر به دو رویکرد آیت‌الله بوده است؛ اولین رویکرد سکوت ایشان در برابر شایعه‌ی به رسمیت شناختن دولت اسرائیل توسط دولت ایران بود. این سکوت هم معلول علت خاصی بود. یکی از شاگردان آیت‌الله بروجردی، در این مورد می‌گوید: «یکی از مسائلی که در آن موقع اتفاق افتاد، قضیه‌ی فلسطین بود. اسرائیلی‌ها در آنجا مسلمانان را شکست دادند و از کشورشان بیرون راندند. آن وقت صحبت شد که ایران هم می‌خواهد اسرائیل را به رسمیت بشناسد؛ در آن زمان مرحوم آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری از کسانی بود که با آیت‌الله کاشانی علیه به رسمیت شناختن اسرائیل همراه بود. حاج آقا رضا صدر هم در همین جهت فعالیت می‌کرد. حاج آقا رضا صدر به آقای سید جواد حسینی که اهل نجف آباد و طلبه‌ی خوب و متدینی هم بود، گفته



بود که بیاید علیه به رسمیت شناختن اسرائیل صحبت کند. ایشان آمده بود در مدرسه‌ی فیضیه روی حجرالانقلاب ایستاده بود و برای جمعیت زیادی از طلبه‌ها سخنرانی کرده بود و گفته بود الان یهودی‌ها دارند مسلمانان را می‌کشند و ما ساکت نشستیم. از فردا من برای رفتن به فلسطین حرکت می‌کنم، هر کس خواست بیاید اسم‌نویسی کند. در مدرسه فیضیه دفتر گذاشتند و طلبه‌ها یکی‌یکی برای حرکت به فلسطین می‌آمدند اسم می‌نوشتند. آن وقت یک جمعیتی را راه انداخته بودند. رفته بودند جلوی در خانه‌ی بروجردی که مثلاً ما می‌خواهیم برویم فلسطین. آقای بروجردی هم فرموده بودند انشاء الله اقدام می‌کنیم و... بالاخره همین سبب شده بود که دولت هم به دست‌وپا افتاده بود و آجدان شهربانی کل کشور تیمسار ابوالقاسم ایزدی را فرستاده بودند پیش آقای بروجردی. البته دروغ گفته بودند ولی در ذهن آقای بروجردی القا کرده بودند که ما به رسمیت نشناخته‌ایم. بالاخره آقای بروجردی متقاعد شدند که جلوی حرکت و سروصدای طلاب را بگیرند. با آیت‌الله حاج سید محمدتقی خوانساری و بعضی علمای دیگر جلسه تشکیل دادند و جلوی حرکت طلاب را گرفتند (عالمیان، ۱۳۹۰: ۲۴۳).

همان‌طوری که مشخص شد، علت اصلی سکوت آیت‌الله بروجردی^(ره)، مماشات و مصلحت‌اندیشی وی در مقابل تزییع حقوق مسلمانان نبود، بلکه ناشی از اطمینانی بود که وی در مورد شایعه‌ی جریان به رسمیت شناختن دولت اسرائیل توسط دولت ایران بدان دست‌یافته بود. هرچند طبق آنچه گفته شد گویا دولت شاه به‌دروغ آیت‌الله را مجاب کرده بود که دولت اسرائیل را به رسمیت نشناخته است و این مدعا بعدها به‌ویژه پس از رحلت آیت‌الله بروجردی^(ره) رنگ واقعیت گرفت، ولی این مرجع تقلید ادعای دولت را حمل بر صحت گرفت و با اطمینان ضمنی از صحت ادعای فرستاده‌ی رژیم اعتراض دیگری را لازم ندید. رویکرد دوم آیت‌الله را می‌توان در مخالفت وی با اعزام هرگونه نیرو به فلسطین به‌ویژه از سوی حوزه‌ی علمیه جست‌وجو کرد. این رویکرد وی در بیانیه‌ی معروفش کاملاً هویدا بود. آیت‌الله در آن بیانیه از مردم ایران و سایر نقاط خواسته بود که «خواری و ذلت یهود را از خداوند بخواهند و برای برادران مسلمان خودیاری و پیروزی بر آن‌ها را مسئلت دارند» در این بیانیه آنچه مشخص است آیت‌الله بروجردی هیچ‌گاه خواهان مبارزه جهادی از سوی سایر کشورهای اسلامی نبود و فقط از آنان درخواست شده بود که برای مبارزان فلسطینی دعا کنند. البته همان‌طوری که پیش‌تر هم گفته شد موضع و رویکرد آیت‌الله هیچ‌گاه برپایه مبارزه‌ی عملی و یا مسلحانه بر ضد طواغیت استوار نبود. وی این‌گونه موضعی را

غیرلازم و ناکارآمد می‌دانست. به‌ویژه در حیطه‌ی حوزه‌های علمیه نسبت به آن مخالفت جدی‌تری می‌نمود. ایشان معتقد به مبارزه‌ی علنی و جهادی از طرف طلاب نبود، به‌ویژه آنکه عده‌ای به آیت‌الله گفته بودند که در صورت ثبت‌نام و اعزام نیرو به فلسطین جو حوزه به هم خواهد ریخت و نظم آن مختل خواهد شد. آیت‌الله که حساسیت فراوانی نسبت به ایجاد نظم در حوزه‌ها داشت، تحت تأثیر این مسئله نسبت به حتی مطرح‌کنندگان طرح اعزام نیرو به فلسطین اشغالی نیز عکس‌العمل نشان داد (عالمان، ۱۳۹۰: ۲۴۵).

۲-۳- وحدت جهان اسلام در قبال اسرائیل در نگاه آیت‌الله بروجردی^(ه)

پس از اشغال فلسطین توسط انگلیس و صهیونیست‌ها، در سال‌های پس از جنگ جهانی اول و دوم و شکست عرب‌ها از اسرائیل، خطر تسلط اسرائیل بر کشورهای اسلامی به‌شدت افزایش یافت؛ از این‌رو اندیشه وحدت بین مذاهب، به‌عنوان چاره کار، یکی از دغدغه‌های علمای اسلام شد. دانشگاه الازهر مصر، به دلیل قدمت تاریخی و عوامل محیطی و ظهور عالمانی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ محمد عبده و شاگردان آنان که همگی منادی وحدت بین مسلمانان بودند و نیز حضور طلاب این مدرسه، در جنگ با اسرائیل و نزدیکی به سرزمین فلسطین، پیش از سایر مراکز علمی جهان اسلام، ندای وحدت سر داد. این خواسته از سوی بسیاری عالمان جهان اسلام، مورد حمایت و تأیید قرار گرفت. از جمله این علما و بزرگان، حضرت آیت‌الله بروجردی بود (تمری، ۱۳۸۵: ۱۳). آیت‌الله بروجردی از آغاز مرجعیت خویش به مسئله‌ی وحدت میان مذاهب اهتمام بیشتری از خود نشان داد و همواره پیگیر این مسئله‌ی مهم جهان اسلام بود. او اعتقاد داشت که سامان بخشیدن به این موضوع از وظایف حیاتی هر عالم شیعی است و باید در تحقق آن تلاش کند (ابادری، ۱۳۸۳: ۶۴). ایشان در حفظ وحدت بین شیعه و اهل سنت همواره تأکید داشتند و از شیخ مرتضی قمی که برای تقریب بین مذاهب در دانشگاه الازهر فعالیت داشت حمایت می‌کرد. در اثر همین عمل، شیخ شلتوت مفتی اعظم الازهر شیعه را به‌عنوان یکی از مذاهب رسمی اسلام معرفی کرد (حاج امینی نجف‌آبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۷).

شهید مطهری در رابطه با دیدگاه آیت‌الله بروجردی^(ه) در مورد بحث وحدت مسلمانان می‌گوید: یکی از مزایای معظم له توجه و علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی داشت. این مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود،

می‌دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن آتش اختلاف چه اندازه تأثیر داشته است، و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست‌های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می‌کنند و بلکه آن را دامن می‌زنند، و هم توجه داشت که بعد و دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. به این جهات بسیار علاقه‌مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنی برقرار شود که از طرفی وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است تأمین گردد و از طرف دیگر شیعه و فقه شیعه و معارف شیعه آن‌طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می‌دهند معرفی شود. از حسن تصادف چند سال قبل از زعامت و ریاست معظم له که هنوز ایشان در بروجرد بودند «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» به همت جمعی از روشنفکران سنی و شیعه تأسیس شد. معظم له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر و با این مؤسسه کمک و همکاری کرد. برای اولین بار بعد از چندین صدسال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی سنی شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت مفتی حاضر مصر و رئیس جامع ازهر روابط دوستانه‌ای برقرار شد و نامه‌ها مبادله گردید. قطعاً طرز تفکر معظم له و حسن تفاهمی که بین ایشان و شیخ شلتوت بود مؤثر بود در اینکه آن فتوای تاریخی معروف را در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه بدهد. معظم له را نباید گفت نسبت به این مسئله علاقه‌مند بود، بلکه باید گفت عاشق و دلباخته این موضوع بود. عجیب این است که از دو منبع موثق شنیدم که در حادثه قلبی اخیر که منجر به فوت ایشان شد، بعد از حمله قلبی اول که عارض شد و مدتی بیهوش بوده‌اند و بعد به هوش آمدند، قبل از آنکه توجهی به حال خود نکنند و در این موضوع حرفی بزنند موضوع تقریب و وحدت اسلامی را طرح می‌کنند و می‌گویند من آرزوها در این زمینه داشتم (مطهری، ۱۳۷۲: ۵۰).

در مجموع باید گفت آیت‌الله بروجردی^(ره) در مسائل سیاسی، سلوک خاص خودش را داشت و با توجه به اوضاع و شرایط آن روز و ظرفیت سیاسی مردم، همواره موضع مناسب و به‌جا اتخاذ کرد و بسیاری از حوادث و رخدادهای دشوار و حساس را به‌خوبی پشت سر گذاشت. در عصر زعامت ایشان، زمینه‌ی برخوردهای تند انقلابی با رژیم پهلوی و بیگانگان وجود نداشت؛ چراکه مردم آمادگی و آگاهی لازم را برای تحمل پیامدهای انقلاب اسلامی نداشتند، اما باید اذعان داشت که در زمان مرجعیت آیت‌الله بروجردی^(ره)، نیروهای بالقوه‌ی بسیاری برای انقلاب تربیت شدند و در طول نهضت نقش سرنوشت‌سازی را ایفا کردند. بنابراین باید گفت اگر سازماندهی و کادرسازی

حوزه‌ها و روحانیت در این زمان تحقق نمی‌یافت در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ هرگز نمی‌توانستیم شاهد انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی^(ره) باشیم. با همه‌ی این‌ها، معظم له مثل قضیه‌ی فلسطین در مراحل که احساس نیاز و خطر می‌کرد، اهل اقدام بود و بی‌درنگ موضع‌گیری می‌نمود و حتی اگر لازم می‌شد به شخص شاه تذکرات و هشدارهای تند می‌داد. از جمله اقدامات ایشان می‌توان به اعلامیه‌ی مربوط به بحث فلسطین، مبارزه با فرقه‌ی سیاسی بهائیت، کمک به نهضت ملی نفت، مقاومت در برابر تقسیم اراضی شاه را نام برد (اباذری، ۱۳۸۳: ۹۹-۱۰۷).

در نگاه آیت‌الله بروجردی^(ره) حوزه‌های علمیه نقش اساسی و به‌نوعی خطوط قرمز بود و مسائل سیاسی و ابعاد دیگر حیات مسلمانان با حفظ این خطوط قرمز معنا پیدا می‌کرد. به نظر می‌رسد با مطالعه‌ای که از اسناد و بیانات و گفته‌ها به دست می‌آید در مورد مسئله‌ی فلسطین نیز حمایت تا جایی به‌صورت عملیاتی مورد تأیید است که بر اصل حوزه لطمه‌ای وارد نشود. آیت‌الله بروجردی^(ره) در مباحث مختلف سیاسی وارد می‌شدند و عکس‌العمل نشان می‌دادند، ولی نگاه ایشان به بحث سیاست و دین مثل نگاه امام ثوری، عملیاتی و یا به عبارت بهتر انقلابی نبود. در ادامه‌ی مباحث بعد از تحلیل مباحث امام خمینی پیرامون فلسطین، تفاوت دو مرجع در باب فلسطین بیشتر واکاوی خواهد شد.

۴- رژیم اسرائیل و سرزمین فلسطین در مبانی فکری امام خمینی^(ره)

فرضیه‌ای که بر اساس آن نگاه امام خمینی^(ره) نسبت به مبحث فلسطین مورد بررسی قرار می‌گیرد، این است که در نگاه امام^(ره) فلسطین متعلق به ملت فلسطین است و در مبانی اندیشه‌ای ایشان نگاه جمهوری اسلامی ایران نسبت به مسئله‌ی این کشور نگاه انسانی است.

۱-۴- راهبرد نگرش امام در برخورد با رژیم صهیونیستی

۱- صحنه‌گردانی قدرت‌های استعماری در پیدایش اسرائیل

قدرت‌های استعمارگری همچون انگلستان بودند که فرآیند شکل‌گیری غده‌ی سرطانی اسرائیل را فراهم کردند و بلایی چون اسرائیل را در منطقه ایجاد کردند. امام خمینی در رابطه با نقش قدرت‌های استعماری در پیدایش اسرائیل می‌فرماید:



انگلیس و آمریکا با تقویت نظامی و سیاسی و با گذاشتن اسلحه‌های مرگبار در اختیار اسرائیل آن را به تجاوزات پی‌درپی علیه اعراب و مسلمین و ادامه اشغال فلسطین و دیگر سرزمین‌های اسلامی تحریم و وادار می‌سازند و شوروی با جلوگیری از مجهز شدن مسلمانان و با فریب و خیانت و سیاست سازشکارانه موجودیت اسرائیل را تضمین می‌نماید (صحیفه امام، جلد ۲: ۴۳۸).

ایشان به نقش گسترده‌ی آمریکا در ادامه فعالیت‌های اسرائیل در منطقه اشاره کردند و فرمودند: اگر آمریکا پشتیبانی از اسرائیل نمی‌کرد، اسرائیل می‌توانست فلسطین را غصب کند؟ می‌توانست ادعا کند که جولان مال ماست و آن را برای خودشان ثبت کند؟ اگر امریکا نبود و این قدرت شیطانی نبود، این همه فساد در بلاد مسلمین حاصل می‌شد؟ این همه خونریزی‌هایی که در بلاد مسلمین انجام می‌شود با تحریکات امریکاست (همان، جلد ۱۵: ۵۲۰).

۲- استراتژی از نیل تا فرات

تشکیل امپراتوری اسرائیل از نیل تا فرات، از جمله اهدافی است که در پروتکل‌های صهیونیسم دیده می‌شود. همواره رهبران آن‌ها در گفتار و کردار خود، برای رسیدن به این آرمان تلاش کرده‌اند. امام خمینی در رابطه با این قضیه می‌فرمایند:

رای آنها این است که اسرائیل از همه نژادها بالاتر است و از فرات تا نیل هم مال اوست و همه اینجاها باید برگردد به اسرائیل (همان، جلد ۱۵: ۵۱۹).

امام در بیانات دیگری بر سیاست از نیل تا فرات اسرائیل اشاره کرده و فرمودند:

و من کراأت ذکر داده‌ام که اسرائیل از نیل تا فرات را از خود می‌داند و شما را غاصب سرزمین‌های خویش می‌شمرد، گرچه اکنون جرئت اظهار صریح آن را ندارد. چنانچه صدام، برادر اسرائیل، نیز برای سلطه بر منطقه تلاش می‌کند. و بر فرض باطل با به قدرت رسیدن، آرامش را از همه سلب می‌نماید (همان، ج ۱۹: ۳۱).

۳- اسرائیل خطری برای اسلام

امام خمینی^(ره) به‌طور مؤکد، خطر اسرائیل را برای کشور، شیعه و جهان اسلام و کلاً دیانت اسلام بیان می‌کرد و کمتر مصاحبه‌ای از ایشان سراغ داریم که در آن به مسائل مملکتی و مذهبی پرداخته شده باشد، ولی صحبتی از اسرائیل و جنایت‌های آن به میان نیامده باشد (توسرکانی، ۱۳۸۹). خطر اسرائیل فقط منحصر به کشورهای عربی نیست و متوجه همه‌ی خاورمیانه و سرزمین‌های اسلامی و منافع آن‌ها است. امام خمینی در این باره می‌فرمایند:

اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت (ایران) قرآن باشد، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت علمای دین باشند، اسرائیل نمی‌خواهد در این مملکت احکام اسلام باشد (صحیفه‌ی امام، جلد ۱: ۲۴۳).

۴- قطع روابط جمهوری اسلامی ایران با رژیم اسرائیل

جهت‌گیری آشکار انقلاب و رهبران انقلابی علیه رژیم صهیونیستی، هیچ تردیدی را برای سیاستمداران این رژیم در خصوص خاتمه و به بن‌بست رسیدن روابط ایران و اسرائیل نگذاشت. مسلماً بیشترین کشوری که آماج تهدیدات انقلاب اسلامی قرار گرفت، اسرائیل بود. در خصوص برخورد با اسرائیل، شاهدیم که در همان روز پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی نظام پادشاهی، در (۱۱ فوریه ۱۹۷۹)، محل نمایندگی اسرائیل در تهران، تعطیل و هم‌زمان در اختیار فلسطینی‌ها قرار می‌گیرد. جهت پاسخ به چرایی چنین سمت‌گیری‌ها و خصومت‌هایی، باوجود طبیعی و آشکار بودن بخش غالبی از آن، باید به اندیشه‌ها و دیدگاه‌های رهبران انقلاب و به‌خصوص شخص امام خمینی^(ره) در خصوص مسئله‌ی فلسطین و پدیده‌ی صهیونیسم برگردیم (تویسرکانی، ۱۳۸۹). امام خمینی^(ره) در رابطه با روابط جمهوری اسلامی ایران و رژیم اسرائیل می‌فرماید:

هرگونه روابط با اسرائیل قطع خواهد شد، اما یهودیان آزاد خواهند بود که در ایران بمانند و در محیط آزادتر از دوران سلطنت شاه زندگی کنند؛ چراکه اسلام به همه‌ی مذاهب احترام می‌گذارد (صحیفه امام، جلد ۵: ۱۳۵۷/۱۰/۲۴).

۵- نفی موجودیت اسرائیل و لزوم نابودی آن

امام خمینی^(ره) از همان ابتدای تشکیل این رژیم، در مقابل این تفکر موضع‌گیری کرده و با آن به مبارزه برخاستند. این دیدگاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب و ارائه طرح‌های سازش توسط بعضی از کشورهای عرب مسلمان با رژیم اسرائیل جدی‌تر شد (نظریور، ۱۳۸۵: ۱۱۰). امام خمینی^(ره) موجودیت اسرائیل را رد می‌کردند و اسرائیل را غده‌ی شکل‌گرفته توسط نظام استکباری می‌دانست. ایشان می‌فرمودند:

اسرائیلی که خون مسلمین را مکیده است و فلسطین را و قدس را آنطور کرده است و لبنان را به آن صورت درآورده است و مسلمین را قتل و غارت کرده است، حالا همه موظفیم که برای خاطر اینکه یک دستمزدی به او بدهیم، همه حافظ او باشیم! همه تأمین کنیم او را! آن کسی [را] که از اول که وارد شده است در قدس و فلسطین، همه کارهایش غاصبانه بوده است، حالا ما به رسمیت بشناسیم! یعنی مملکت‌های عرب، این رژیم فاسد، فاسق، کافر را به رسمیت بشناسند! دستمزد



بدهند به اسرائیل بعد از آن همه جنایات! اگر نقطه‌ مثبتی که بعضی‌ها می‌گویند، این است که یکی از مواد این است که اسرائیل خارج بشود تا جنگ کذا، تا آن حدودی که در جنگ کذاست، این از نقاط منفی این است. این معنایش این است که اسرائیل اینهمه جاها را که گرفته است مال خودش؛ حالا یک‌چند جا را رها کند. این از نقاط منفی اوست و سایر نقاط تمام در خدمت اسرائیل است و می‌خواهد اسرائیل را حاکم کند بر اعراب (صحیفه امام، جلد ۱۵: ۳۷۱).

یکی از پایه‌های نهضت امام خمینی^(ره) ضدیت با اسرائیل بود. از این رو، امام خمینی^(ره) یکی از دلایل پیروزی انقلاب اسلامی را روابط رو به گسترش شاه و اسرائیل، معرفی کرد. جمهوری اسلامی، به پیروی از امام^(ره) شعار «اسرائیل باید از بین برود» را مطرح کرد (شیرودی، ۱۳۸۳: ۲۹).

امام خمینی فرمودند:

ما از اولی که در این امور و در این نهضت وارد شدیم، یکی از مسائل مهم ما این بود که اسرائیل باید از بین برود. و آن‌ها نمی‌توانند یک همچون مطلب فاسدی را به کرسی نشانند. ما اسرائیل را قابل آدم نمی‌دانیم تا این که با او یک ربطی داشته باشیم (صحیفه‌ی امام، جلد ۱۵: ۲۵)

۲-۴- راهبرد امام در قبال دولت فلسطین

۱- فلسطین در قله‌ی مصیبت‌ها

امام خمینی^(ره)، با اشاره بر اینکه فلسطین در رأس مصیبت‌هاست، و اظهار تأسف از اختلاف کشورهای اسلامی که با وجود منابع طبیعی سرشار و ذخایر گران‌بها و جمعیت هفتصد میلیونی نتوانسته‌اند دست استعمار و صهیونیسم را از بلاد اسلامی قطع کنند، مسئله‌ی قدس را حادثه‌ای برای موحدین جهان و مؤمنین در همه‌ی اعصار دانسته و جسارت به مسجدالاقصی و غضب آن توسط جنایت‌کاران را فاجعه‌ی بزرگ تاریخ و ننگ کشورهای اسلامی بیان می‌کند (مصباحی، ۱۳۸۱: ۱۲۸).

۲- حمایت و اختصاص وجوهات شرعی به مجاهدان فلسطین

امام خمینی^(ره) در سال ۱۳۴۷ش، در اوج مبارزه علیه رژیم شاه، اولین مرجع تقلید و پیشوای بزرگ مذهبی بود که مجوز حمایت از مبارزان فلسطینی از محل وجوهات شرعی، زکات و صدقات را صادر نمودند:

اکیداً شایسته و بلکه واجب است که قسمتی از وجوه شرعی مانند زکات و سایر صدقات را به مقدار کافی به این مجاهدان راه خدا اختصاص داد (صحیفه‌ی امام، مصاحبه با نماینده الفتح، ۱۳۴۷).

۳- اعلام روز جهانی قدس

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، باعث ظهور اندیشه و قدرتی جدید در منطقه و جهان بود. تغییر حکومت در کشور ما باعث شد تا تغییراتی اساسی در اولویت‌های سیاست خارجی، پدید آید. مهم‌ترین شعار ایران در عرصه‌ی بین‌الملل، استکبارستیزی و حمایت از مستضعفان جهان شد. این اقدام با اعلام روز جهانی قدس، از سوی حضرت امام خمینی^(ره) در دفاع از مردم مظلوم فلسطین، آهنگ تندتری به خود گرفت. نام‌گذاری جمعه آخر ماه مبارک رمضان به‌عنوان روز جهانی قدس، ضمن دلگرمی مظلومان فلسطینی، به صهیونیست‌ها و حامیان آنان فهماند که این کشور، بخشی از سرزمین اسلام است و روزی نه‌چندان دور، قدس شریف بدان باز خواهد گشت (موسوی، ۱۳۷۹: ۵۴). امام خمینی^(ره) روز قدس را روز صرفاً فلسطین ندانستند، بلکه آن را روز اسلام و روز حکومت اسلامی و روز برافراشتن پرچم جمهوری اسلامی و روز ممانعت از پیشروی کشورهای استکباری در ممالک اسلامی دانستند. ایشان فرمودند:

دولت‌های عالم بدانند که اسلام شکست بردار نیست. اسلام و تعالیم قرآن بر همه ممالک باید غلبه کند. دین باید دین الهی باشد، اسلام دین خداست؛ و باید در همه اقطار اسلام پیشروی کند. روز قدس، اعلام یک چنین مطلبی است، اعلام به این است که مسلمین به‌پیش! برای پیشرفت در همه اقطار عالم. روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است؛ روز حکومت اسلامی است. روزی است که باید جمهوری اسلامی در سراسر کشورها بیرق آن برافراشته شود. روزی است که باید به ابرقدرتها فهماند که دیگر آنها نمی‌توانند در ممالک اسلامی پیشروی کنند (صحیفه‌ی امام، جلد ۹: ۲۷۸).

ایران اسلامی همواره در سیاست خارجی خود از آرمان فلسطین حمایت کرده و خواستار برگشت آوارگان به سرزمین اصلی و تشکیل دولت مستقل فلسطینی گردیده است. در این راستا، اعلان روز جهانی قدس از طرف امام خمینی، مظهر بزرگی از حمایت ملت ایران از فلسطین است (ستوده، ۱۳۸۱: ۲۶۰).

۴- تداوم و پایداری حمایت

حضرت امام خمینی^(ره) تا واپسین لحظات عمر خود، به حمایت از فرزندان معنوی‌شان در فلسطین تأکید نموده و بی‌محابا در بنیان‌های کفر و استبداد و استکبار و مولود نامشروع آنان در قلب خاورمیانه یورش می‌بردند (میرطاهری، ۱۳۸۱: ۱۱۷). ایشان در رابطه با فرآیند حمایتشان از فلسطین فرمودند: من در حدود بیست سال است که از فلسطین در مقابل اسرائیل دفاع کرده‌ام. من زمانی خطر اسرائیل را گوشزد می‌کردم که اسمی از فلسطین و اسرائیل در ایران نبود. ما مدافع مبارزات حق طلبانه فلسطینیها در مقابل اسرائیل هستیم. ما دارای اصولی هستیم که تا ابد به آن پایبند خواهیم بود (صحیفه امام، جلد ۱۱: ۱۵۹).

۳- زمینه‌های رفع گرفتاری مردم فلسطین از منظر امام خمینی^(ره)

۱- حل مشکلات در ظل اسلام

از منظر امام خمینی^(ره) مهم‌ترین و پایه‌ی‌ترین عامل حل مشکلات جوامع اسلامی، بازگشت به اسلام آن‌هم اسلام ناب محمدی است. ایشان فرمودند: ما تا به اسلام برنگردیم؛ اسلام رسول الله، تا به اسلام رسول الله برنگردیم، مشکلاتمان سر جای خودش هست، نه می‌توانیم قضیه فلسطین را حلش کنیم و نه افغانستان را و نه سایر جاها را. ملت‌ها باید برگردند به صدر اسلام (همان، جلد ۱۳: ۱۸۹). در منظومه‌ی فکری امام خمینی^(ره) در مواقعی دولت‌ها و ملت‌های اسلامی موفق خواهند شد که مصیبت‌ها و افت‌های پیش رو را رفع کنند که متکی بر مبانی و اصول اسلامی باشند، تا زمانی که اسلام در رأس امور قرار نگیرد و در حل مسائل و مشکلات، نگاه‌ها به غیر اسلام باشد، وضعیت مسلمین بهتر این نخواهد شد. امام دول اسلامی را به حرکت در مسیر اسلامی توصیه کرده و در این باب فرمودند:

اگر دول اسلامی و ملل مسلمان به‌جای تکیه به بلوک شرق و غرب به اسلام تکیه می‌کردند و تعالیم نورانی و رهایی‌بخش قرآن کریم را نصب عین خود قرار داده و به کار می‌بستند، امروز اسیر تجاوزگران صهیونیسم و مرعوب فانتوم امریکا و مقهور اراده سازشکارانه و نیرنگ بازیهای شیطانی شوروی واقع نمی‌شدند (همان، ج ۲: ۴۳۸).

۲- بصیرت و هوشیاری در قبال توطئه‌ها

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران یکی از رویکردهایی که توسط ملت فلسطین در قبال رژیم اشغالگر قدس به کار گرفته شد، انتفاضه است. تلاش فلسطینی‌ها بر این است تا با استفاده از روحیه‌ی

مقاومت و تهاجم بر رژیم اسرائیلی تحت عنوان انتفاضه، رژیم اسرائیل را زمین گیر کنند، ولی بعضی از دولت های اسلامی و روشنفکران لیبرال منش، این نحوه ی نگرش را در قبال اسرائیل را درست نمی دانند و بر مذاکره و مباحثات در قبال اسرائیل اعتقاد دارند. امام خمینی^(ره) در باب سد معبر شدن در قبال اقدامات فلسطینیان در برابر رژیم اسرائیل می فرمود:

همه دست به هم دادند، که نگذارند که ملت فلسطین این راهی را که الآن پیش گرفته است، باقی باشد؛ یا به صورت دلسوزی برای فلسطین که حیف، فلسطین دارد چه می شود، چه می شود، خوب است که یک قدری مثلاً مباحثات کنند، تا کار درست بشود! و ملت فلسطین بداند که اگر یک قدم عقب بگذارد راجع به همین معنایی که الآن در دست دارد، دوباره برمی گردد به آن حال اول (همان، ج ۲۰: ۴۷۳).

۳- اتکای به مسلسل، ایمان و الگویی چون ایران اسلامی

امام خمینی^(ره) به متکی شدن مردم مسلمان فلسطین و جهان اسلام به ایمان تأکید کردند و با معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماد قدرت، کشورها را به تحول فراخواند. ایشان فرمودند: باید برای آزادی قدس از مسلسل های متکی بر ایمان و قدرت اسلام استفاده و بازیهای سیاسی را که از آن بوی سازشکاری و راضی نگه داشتن ابرقدرتها به مشام می رسد کنار گذاشت. باید ملت های مسلمان خصوصاً ملت فلسطین و لبنان، کسانی را که با مانورهای سیاسی وقت گذرانی می کنند، تنبه نموده و زیر بار بازیهای سیاسی که نتیجه ای جز زیان و ضرر برای ملت مظلوم ندارد نروند. پیروزی ملت رزمنده ایران با انگیزه سربازان صدر اسلام که سلاحشان ایمان بود، در پیش چشم همگان پرتوافکن است (همان، جلد ۱۵: ۶۰).

۴- توسل به وحدت

یکی از مهم ترین وظایف مسلمانان در برابر مسئله ی فلسطین، اتحاد و اخوت اسلامی است، این که همه مسلمانان باهم وحدت داشته باشند و از تفرقه های مذهبی و غیرمذهبی اجتناب ورزند؛ زیرا تا وقتی که همه مسلمانان باهم متحد نشوند و اتحاد را سرلوحه خود قرار ندهند، در برابر حملات دشمنان اسلام پیروز نخواهند شد. متأسفانه امروز اخوت اسلامی و اتحاد اسلامی بسیار سست شده است، امروزه اگر مسلمانان در عالم مورد ظلم و سست واقع می شوند، یکی از علل اصلی آن همین عدم اتحاد و تفرقه ی مسلمانان است، امروزه اگر رژیم صهیونیستی جرأت پیدا می کند که ملت فلسطین را مورد شکنجه و آزار قرار دهند و مسجد الأقصی را اشغال کند، به خاطر این است که

می‌بیند مسلمانان متفرق و پراکنده‌اند و صدا و مواضع واحدی در مقابل آن ندارند (حیدرهایمی، ۱۳۸۷: ۹۵). ایشان به وحدت مسلمانان تأکید کردند و مشکلات جهان اسلام و زیاده‌خواهی نظام استکباری را تفرقه و نبود وحدت دانستند و فرمودند:

اگر این‌ها توحید کلمه کنند، دیگر یهود به فلسطین طمع نمی‌کند؛ دیگر هندو به کشمیر طمع نمی‌کند. این برای این است که نمی‌گذارند شما متحد بشوید. بدانند آنها- می‌دانند هم- دست‌هایی که می‌خواهند منابع شما را از دستتان بگیرند، می‌خواهند ثروت شما را به رایگان ببرند، می‌خواهند ذخایر تحت‌الارضی و فوق‌الارضی شما را به یغما ببرند، آنها نمی‌گذارند که عراق و ایران با هم متحد بشود؛ ایران و مصر با هم متحد بشود؛ ترکیه و ایران با هم متحد بشود؛ همه‌شان با هم وحدت کلمه پیدا کنند. نخواهند گذاشت (صحیفه امام، جلد ۲: ۳۳).

۴-۴- امام و دولت‌های اسلامی

۱- نفی کمپ دیوید

یکی از قراردادهایی را که عکس‌العمل شدید امام خمینی^(ره) را در بر داشت، قرارداد کمپ دیوید بود، امام بلافاصله پس از امضای قرارداد کمپ دیوید، دستور قطع رابطه با آن کشور را به دولت موقت صادر می‌کند و می‌فرماید:

کمپ دیوید، چیزی بجز یک فریب و بازی سیاسی برای ادامه تجاوز اسرائیل به مسلمین نیست. من بیش از پانزده سال است که در اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های خود اسرائیل را محکوم کرده و از ملت فلسطین و سرزمین آنان دفاع کرده‌ام. اسرائیل غاصب است و هرچه زودتر باید فلسطین را ترک کند (همان، جلد ۵: ۱۷۶).

۲- خطر رژیم صهیونیستی در تقابل با تمام سرزمین‌های اسلامی

بعضی تفکر و مبانی و منظومه‌ی فکری‌شان بر این رویکرد جریان دارد که اسرائیل صرفاً به دنبال شکل‌گیری کشوری مستقل در خاورمیانه است، در حالی که با توجه به گفته‌های خود مقامات اسرائیلی‌ها، خواسته‌ی آن‌ها صرفاً محدود در فلسطین و یا شکل‌گیری کشوری مستقل نیست، بلکه آن‌ها به دنبال احاطه بر کل کشورهای خاورمیانه هستند و درصدد هستند که رویکرد یهودیت بر رویکرد اسلامی چیره شود. امام خمینی^(ره) به نقشه‌ی یهودیت و رژیم صهیونیستی در منطقه‌ی خاورمیانه اشاره کرده و کشورهای جهان اسلام را به آگاهی در این امر سوق داده و فرمودند:

سران کشورهای اسلامی باید توجه داشته باشند که این جرثومه فساد را که در قلب کشورهای اسلامی گماشته‌اند تنها برای سرکوبی ملت عرب نمی‌باشد، بلکه خطر و ضرر آن متوجه همه خاورمیانه است. نقشه، استیلا و سیطره صهیونیسم بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر سرزمین‌های زرخیز و منابع سرشار کشورهای اسلامی می‌باشد (همان، ج ۳: ۲).

۳- لزوم استفاده از حربه‌ی نفت علیه اسرائیل

در زمانی که تجربه‌ی جنگ‌های اعراب و اسرائیل، به‌خصوص شکست جنگ ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳م، مشهور به جنگ ۲۲ روزه رمضان، برخی از زمین‌های سازش را در اعراب تقویت کرده بود، امام خمینی^(ره) بر ادامه‌ی مبارزه با استفاده از حربه تحریم نفت علیه اسرائیل و حامیانش تأکید می‌کرد (همان، جلد ۲: ۲). ایشان در پیامی خطاب به دولت‌ها و ملت‌های اسلامی به مناسبت جنگ رمضان نوشتند:

دولت‌های ممالک نفت‌خیز اسلامی لازم است از نفت و دیگر امکاناتی که در اختیار دارند به‌عنوان حربه علیه اسرائیل و استعمارگران استفاده کرده، از فروش نفت به آن دولت‌هایی که به اسرائیل کمک می‌کنند، خودداری ورزند (همان، جلد ۲: ۲).

۵- مقایسه اندیشه آیت‌الله بروجردی و امام خمینی در باب بحران فلسطین و اسرائیل

آنچه از تحلیل محتوای مباحث امام خمینی و آیت‌الله بروجردی به دست آمد، این که آیت‌الله بروجردی و امام خمینی هر دو ملت‌های و دولت‌های جهان اسلام را به وحدت و دوری از تفرقه در تقابل با یهودیت فرامی‌خواند. رمز پیروزی در تفکر و چشم‌انداز فکری امام و آیت‌الله بروجردی به خدا و جنگ زدن به ریسمان الهی و توسل به وحدت است. آنچه باعث می‌شود جهان اسلام نتواند به دغدغه‌ها و خواسته‌های خود در جهان دسترسی پیدا کند و در مقابل یهود زمین گیر شود، تفرقه و چنددستگی است. هر دو مرجع به نامشروع بودن رژیم اسرائیل و حق مسلم مردم فلسطین بر کشور فلسطین تکیه دارند. امام خمینی به جهاد و مبارزه با اسرائیل و کمک به مردم مظلوم فلسطین در نظر و عمل باور داشتند، ولی آیت‌الله بروجردی به عدم مبارزه‌ی جهادی معتقد بود و این در متن اعلامیه‌ی ایشان در زمان به رسمیت شناختن اسرائیل از طریق ایران به عین هویدا است. در اندیشه‌ی امام حوزه سنگر است و این سنگر باید حفظ شود، ولی بحث اسرائیل هم بحث مهم و کلیدی در جهان اسلام



است که اگر لازم باشد نیاز است جهاد و مبارزه انجام شود، ولی در تفکر آیت‌الله بروجردی نظم حوزه و پایداری حوزه اولویت دارد، به همین با شنیدن کمترین زمزمه‌ای که مثلاً فلان مسئله بر ثبات حوزه مضر است، جانب صرف حوزه برای ایشان مهم بود. که این قضیه جهت ارسال مبارزان برای کمک به فلسطین کاملاً هویدا است.

آیت‌الله بروجردی به گفته‌های رژیم مبنی بر عدم شناسایی اسرائیل اعتماد کرد و لذا بعد از اعتراض به سکوت گرایید، ولی امام نسبت به شاه و اطرافیانش بی‌اعتماد بود و دست‌های پشت پرده را با هوشیاری رصد می‌کرد، بر همین مبنا نه تنها سکوت نکرد بلکه بر دامنه‌ی اعتراضاتش علیه اسرائیل افزوده شد که حاصل آن زندانی و تبعید شدن امام است.

امام و آیت‌الله بروجردی به صحنه‌گردانی جهان توسط نظام‌های استکباری و نقش آن‌ها در شکل‌گیری غده‌ی سرطانی در میان کشورهای جهان اسلام توجه دارند و ظهور و شکل‌گیری این ماده‌ی نامطبوع را ناشی از تلاش کشورهای استکباری و استعماری می‌دانند.

کمک به مسلمانان جهان از جمله فلسطین در دستور کار امام و آیت‌الله بروجردی بود که در متن اعلامیه‌ی آیت‌الله بروجردی بیشتر حالت دعا و یاری از خدا دارد، در حالی که امام در تئوری و عمل حامی مستضعفین بود و این حرکت از کمک خمس مالی به گروه‌های فلسطینی و امثال آن بوده است.

جدول ۱. مباحث آیت‌الله بروجردی پیرامون فلسطین و اسرائیل

ردیف	فلسطین	اسرائیل
۱	دعوت مسلمانان جهان برای کمک‌رسانی به فلسطین	محکومیت جنایت‌های رژیم اسرائیل
۲	دعا برای پیروزی مسلمانان (علی‌الخصوص فلسطین)	برائت و بیزاری از یهودیان اشغالگر
۳	مردمانی بی‌گناه	نفرین یهودیان
۴	-	یهود دشمن‌ترین دشمنان جهان اسلام
۵	-	نمک‌شناسی یهود در مقابل خدمات جهان اسلام به آن‌ها

کشتار مردم بی گناه	-	۶
متعدیان به حقوق مسلمانان	-	۷

جدول ۲. مباحث امام خمینی پیرامون فلسطین و اسرائیل

اسرائیل	فلسطین	ردیف
صحنه گردانی قدرت های استعماری در پیدایش اسرائیل	مظلوم و بی پناه فلسطین	۱
استراتژی از نیل تا فرات	فلسطین شکافندهی قلب دشمن بزرگ اسلام	۲
غدهی سرطانی	فلسطین در قلهی مصیبت ها	۳
یهودیت غیر از رژیم صهیونیستی	حمایت از مستضعفان	۴
جرثومهی فساد	حمایت و اختصاص وجوهات شرعی به مجاهدان فلسطین	۵
ماده فساد	اعلام روز جهانی قدس	۶
غاصب ملحد	مسئلهی قدس، مسئلهی اسلام است.	۷
نژادپرست جنایتکار	تداوم و پایداری حمایت از فلسطین	۸
خطری برای اسلام	ما مدافع مبارزات حق طلبانه فلسطینی ها در مقابل اسرائیل هستیم	۹
تمام گرفتاری های مملکت سر سه چیز است که یکی از آن ها رژیم اسرائیل است.	توجه به اسلام و مبانی دینی راه حل قضیهی فلسطین است.	۱۰
نهی موجودیت اسرائیل	اتکای به مسلسل، ایمان و الگویی چون ایران اسلامی	۱۱
بزرگ ترین دشمن مسلمانان	مبارزه و مقاومت به جای سازش	۱۲

۱۳	توسل به وحدت راه‌حل نجات فلسطین	-
۱۴	نفی کمپ دیوید	-

نتیجه‌گیری

دین اسلام درصدد است تا مسلمانان جهان تحت عنوان امت اسلامی به دور از یوغ استکبار حیات طیبه‌ای داشته باشند. لذا مردم را دعوت به جهاد و استقامت در قبال کفار و مستکبران جهان کرده است. نظام‌های استکباری نیز برای جلوگیری از قدرت‌گیری جهان اسلام، سعی بر این داشته‌اند که آن‌ها را از لحاظ فکری و مادی و معنوی وابسته به خود نگه دارند و دارایی جهان اسلام را به تاراج ببرند. از جمله کشورهایی که مورد تجاوز و استثمار کشورهای استکباری قرار گرفته، دولت مظلوم فلسطین است که با وساطت انگلستان رژیم نامشروع یهودی شکل گرفت. که به نوعی مرز دفاع از امنیت آمریکا و جهان خواران غرب قرار گرفته است. با ظهور چنین غده‌ی سرطانی، واکنش‌های مختلف در جهان اسلام و عرب هویدا شد که از جمله واکنش‌ها در قبال این رژیم، از طرف ایران توسط آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله کاشانی به عمل آمد. این دو روحانی تلاش کردند تا به انحاء مختلف کمک کار مردم فلسطین باشند. از جمله‌ی حمایت‌ها از ملت مظلوم فلسطین اعلامیه‌ی تندری است که توسط آیت‌الله‌العظمی بروجردی نوشته شده است، در این اعلامیه به نوع نگاه قرآن به یهودیان پرداخته و در ادامه نمک‌شناسی یهود در قبال خدمات مسلمانان به آن‌ها اشاره‌ای کرده است و سپس وحدت جهان اسلام در برابر یهود را عامل اساسی جهت مقاومت امت اسلامی در برابر یهود و رژیم اسرائیل می‌داند.

با ظهور جمهوری اسلامی ایران و ایجاد انحصار به رژیم صهیونیستی، روند هوشیاری و آگاهی در مردم فلسطین و مبارزین آن‌ها در قالب انتفاضه بروز پیدا کرد و رهبران انقلاب اسلامی در بیانات مختلف به حمایت از آن‌ها پرداخته‌اند. در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی تنها مسیر رهایی دولت فلسطین از انحصار رژیم صهیونیستی، ایمان و اراده قوی به علاوه وحدت، همراه با استقامت است و در این مسیر سازش راه به جایی نخواهد برد.

فلسطین از مهم‌ترین مسائلی است که امام خمینی^(ره) به آن توجه دارد. امام^(ره) چه قبل از وقوع انقلاب اسلامی و چه بعد از شکل‌گیری آن، پیوسته همراه با فلسطین بود و به شیوه‌های مختلف از

آن حمایت می‌کرد. از منظر ایشان، مسئله‌ی فلسطین مسئله‌ی داخل یک سرزمین نیست، بلکه مسئله‌ی اسلام است و باید با نگاه اسلامی به آن نگاه شود. از منظر ایشان اسرائیل هدفش از بین بردن اسلام و مبنای اسلامی است و هدفش صرفاً محدود به سرزمین فلسطین نیست. اصلاً هدف شکل‌گیری غده‌ی اسرائیل در سرزمینی مثل فلسطین همین است و غیر از آن نیست. از منظر امام^(ره) مسلمانان باید از خواب غفلت بیدار شوند و خطر اسرائیل این رژیم منحوس را جدی بگیرند و با وحدت کلمه و ایمان به خدا این رژیم را از روی زمین پاک و نابود کنند و گر نه جامعه‌ی مسلمین روی خوشی نخواهد دید. در حال حاضر خیلی از اختلافات و نزاعانی که بین مسلمین اتفاق می‌افتد عامل اصلی آن اسرائیل است. چون هدفش این است که با ایجاد اختلاف بین جوامع مسلمان، آن‌ها را از فکر جنگ علیه غده‌ای چون اسرائیل به دورنگه دارند.

در اندیشه‌ی آیت‌الله بروجردی^(ره) و امام خمینی^(ره) نگاه به مسئله‌ی فلسطین، نگاه امت محور با مبنای و زیربنای دینی است. نگاه دو مرجع به مسئله‌ی فلسطین بر اساس منافع استراتژیک که بعضی از جریان‌ها در ایران به دنبال آن بوده و هستند نمی‌باشد. بلکه هدف رهایی امت اسلام از چنگال صهیونیسم می‌باشد. راه رهایی فلسطین از نگاه آیت‌الله بروجردی و امام خمینی اتکا به خداوند و استفاده از ظرفیت جهان اسلام از جمله قرآن و سنت است که با ظرفیت‌هایی چون وحدت معنایی می‌شود. یعنی در نگاه این دو مرجع، جهان اسلام می‌تواند با پیروی از اصل اساسی وحدت و دوری از نفاق و تفرقه، زمینه‌های رهایی امت‌های اسلامی از چنگال رژیم‌های استکباری از جمله اسرائیل را فراهم کند و در صورت غفلت از مبنای و اندیشه‌های اسلامی و ایجاد نفاق و چنددستگی در میان مسلمین، جهان اسلام در فتنه‌ی یهودیت دست‌وپا خواهد زد و در نتیجه این رویداد، ماهیت اسلامی مسلمانان تحت‌الشعاع زیاده‌خواهی‌های رژیم صهیونیستی و جهان استکباری قرار خواهد گرفت. تفاوت اندیشه‌ی امام خمینی و آیت‌الله بروجردی را با تأمل در ارتباط بین دین و سیاست و نگاه این دو مرجع عالی‌قدر به این دو مقوله می‌توان دست یافت. یقیناً نگاه امام به دخالت در سیاست و نقش‌آفرینی دین در سیاست کاملاً متفاوت با نگاه آیت‌الله بروجردی بود. آیت‌الله بروجردی تلاش داشت خیلی در مباحث سیاسی ورود نکند و عمده تلاش ایشان حفظ و تثبیت حوزه‌ی علمیه‌ی قم در مقابل طوفان‌های رژیم استبدادی پهلوی دوم بود. واکنش‌های آیت‌الله بروجردی در قضیه‌ی فلسطین و ظهور پدیده‌ی به نام رژیم اسرائیل در منطقه به عین نشان‌گر نوع نگاه و شدت ارتباط دهی



بین دیانت و سیاست و نحوه و میزان دخالت در مباحث و رویدادهای سیاسی است. البته یقیناً همان‌طور که در بیانات خود امام خمینی هم به‌وضوح قابل‌برداشت است، ایشان ظهور جمهوری اسلامی را مدیون تلاش‌های آیت‌الله بروجردی در حفظ پایگاه و سنگر اسلام یعنی حوزه می‌داند. در صورتی که امام خمینی به‌انحاء مختلف تلاش دارد تا حمایت‌های مادی و معنوی از گروه‌های مستضعف از جمله فلسطین را به عمل آورد و این حمایت در بازه‌های زمانی مختلف تداوم داشته و به‌صورت پیوسته بوده است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵). *صحیفه‌ی امام (۲۱ جلدی)*. قم؛ انتشارات: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام

_____ . (۱۳۷۳). *فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره)*. قم، انتشارات مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

اباذری، عبدالرحیم. (۱۳۸۳). *آیت‌الله بروجردی آیت‌الخلاص*. تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

تمری، محمدرضا. (۱۳۸۵). آیت‌الله بروجردی و وحدت مسلمانان. پگاه حوزه، ۱ (۲۰۳)، ۱۴-۱۳.
توسلی رکن‌آبادی، محمد و رضایی، نیما. (۱۳۸۹). تأثیر ساختار حزبی بر سیاست خارجی اسرائیل در قبال جمهوری اسلامی ایران. *تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۱ (۳)، ۱۶۹-۱۴۱.

جوادی ارجمند، محمدجعفر و موسوی، عباس. (۱۳۹۳). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال فلسطین با تکیه بر رویکرد سازه‌نگاری*. *مطالعات فلسطین*، ۸ (۲۴)، ۶۶-۵۳.

حیدر هاشمی، جوادی. (۱۳۸۷). وظایف مسلمانان جهان در برابر مسئله‌ی فلسطین. *دوماهنامه آفاق*، ۱ (۲۸).
خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی، تدوین: ابراهیم حاج امینی نجف‌آبادی، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران؛ انتشارات سمت.

رضوی، سید عباس. (۱۳۸۱). *علمای شیعه و حمایت فقهی و سیاسی از فلسطین*. حوزه، ۲ (۷۸)، ۹-۵.

- رویوران، حسین. (۱۳۸۹). امام خمینی (ره) و قضیه‌ی فلسطین. ماهنامه پاسدار اسلام، شماره ۲۴۲.
- سالار، محمد. (۱۳۸۲). انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی. انقلاب اسلامی، شماره ۵.
- ستوده، محمد. (۱۳۸۱). انتفاضه فلسطین و بی‌ثباتی فزاینده در اسرائیل. علوم سیاسی، ۵(۱۷)، ۲۷۶-۲۶۸.
- شیرودی، مرتضی. (۱۳۸۳). انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی. اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، ۴(۱۰)، ۳۷-۲۱.
- صدقی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از آغاز تا ۱۳۶۸. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عالمیان، علی اکبر. (۱۳۹۰). رایت دین (بررسی اندیشه و رفتار سیاسی آیت الله العظمی بروجردی). تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- فتحی شقاقی. (۱۳۸۶). امام خمینی و مسئله‌ی فلسطین. نشریه‌ی یاران، شماره ۲۶.
- فرزندی، عباسعلی. (۱۳۹۳). مبانی و اصول حاکم بر نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی از منظر امام خمینی (قدس سره). پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۳(۸)، ۲۶۲-۲۳۷.
- فریدونی، احمد و نسیمه شهبازی. (۱۳۹۱). جایگاه فلسطین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- کدیور، جمیله. (۱۳۷۲). انتفاضه؛ حماسه‌ی مقاومت فلسطین. تهران: انتشارات اطلاعات.
- متقی، ابراهیم و نادری، محمد. (۱۳۹۲). رویکرد مقایسه‌ای ایران و مصر در قبال گروه‌های جهادی فلسطین (۱۹۷۹ تا ۲۰۱۲). نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۵(۳)، ۱۸۳-۱۶۷.
- مجیدی، محمدرضا. (۱۳۸۱). فلسطین: نگاه مسلمان ایرانی. اندیشه‌ی انقلاب اسلامی، ۲(۱)، ۳۰-۱۹.
- مشایخی، حشمت‌الله. (۱۳۸۹). تأثیر انتفاضه ملت فلسطین بر رژیم صهیونیستی. آفاق امنیت، ۳(۷)، ۱۵۸-۱۱۵.
- مصباحی. (۱۳۸۱). امام خمینی (س) و فلسطین. نشریه‌ی حضور، شماره ۴۰.
- موسوی، سید حسین. (۱۳۷۹). انتفاضه: امیدها و چالش‌ها. مطالعات خاورمیانه، ۷(۲۴)، ۶-۱.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). شش مقاله. قم: انتشارات صدرا.
- موسوی، سید صمد. (۱۳۸۷). جمهوری اسلامی ایران و دفاع از فلسطین. ماهنامه مبلغان، شماره ۱۰۷.
- مهربان، حسین. (۱۳۸۶). حماس و مسئله‌ی فلسطین. نشریه‌ی مریبان، شماره ۲۶.
- میرزایی، حسین. (۱۳۹۱). تأملی بر سیاست خارجی محمود احمدی‌نژاد (دولت نهم و دهم) در قبال اسرائیل و مسئله‌ی هولوکاست. مطالعات فلسطین، ۶(۱۹)، ۹۱-۱۱۳.



میرطاهری، رضا. (۱۳۸۱). جمهوری اسلامی ایران و انتفاضه فلسطین. حضور، شماره ۴۰. نظرپور، مهدی. (۱۳۸۵). فلسطین از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری. پیام، شماره ۷۸. ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۸۶). جمهوری اسلامی ایران و تحولات فلسطین. تهران؛ انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۶.

روزنامه

بهرامی، عارف. (۱۳۹۰). تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر قضیه‌ی فلسطین، روزنامه‌ی رسالت ۹۰/۷/۱۳. توسرکانی، محمد. (۱۳۸۹). انقلاب اسلامی ایران و تحولات فلسطین، باشگاه اندیشه ۱۳۸۹/۵/۱۵، ۱۳۸۹. تأملی در اندیشه‌های امام خمینی درباره ماهیت استعماری اسرائیل، روزنامه جمهوری اسلامی ۸۷/۱۰/۲۱. فلسطین در نگاه امام خمینی، روزنامه‌ی جمهوری اسلامی ۱۳۸۷/۳/۸. مهدوی، علی، وحدت مسلمین، پیام انقلاب، روزنامه‌ی رسالت ۱۳۹۰/۳/۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان. قابل دسترسی در: <http://www.hajij.com/fa/moral/bayanat/item/2337-1392-08> پایگاه اطلاع رسانی حوزه. (۱۳۹۵). استکبار و شیوه‌های مبارزه با آن در قرآن. قابل دسترسی در: <https://hawzah.net/fa/Magazine/View>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی